

بررسی تطبیقی موارد فسخ عقد بیع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ (وین) با حقوق ایران

مصطفی انصاری نژاد^۱، مراد مقصودی^۲

^۱ مدرس دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهلران.

^۲ استادیار دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

نام نویسنده مسئول:

مصطفی انصاری نژاد

چکیده

موارد فسخ عقد بیع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، طی مواد ۴۹، ۵۱، ۶۴، ۷۲ و ۷۳ پیش بینی شده است. سوال این است که موارد فسخ عقد بیع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (CISG) در حقوق ایران پذیرفته شده اند یا خیر؟ بررسی ها نشان می دهد علی رغم اینکه شباهت هایی بین موارد فسخ عقد بیع در کنوانسیون با موارد فسخ عقد بیع در حقوق ایران وجود دارد اما مغایرت های قابل توجهی هم به چشم می خورد.

واژگان کلیدی: موارد فسخ عقد بیع - کنوانسیون بیع بین المللی کالا - حقوق ایران.

مقدمه

کنوانسیون بیع بین المللی کالا یک کنوانسیون مهم در زمینه قرارداد های خرید و فروش بین المللی است که در چهار فصل و ۱۰۱ ماده تنظیم شده است (صفایی و دیگران ۱۳۹۲، ۴). در این کنوانسیون موارد فسخ عقد بیع طی مواد ۴۹، ۵۱، ۶۴، ۷۲ و ۷۳ پیش بینی شده است. اجتناب فروشنده از قرارداد، عدم اجرای بخشی از قرارداد، اجتناب خریدار از قرارداد، نقض احتمالی قرارداد و قراردادهای اقساطی مواردی هستند ممکن است باعث ایجاد حق فسخ قرارداد شوند. موضوع مورد بحث مقاله این است که موارد فسخ عقد بیع در کنوانسیون بیع بین المللی کالا در حقوق ایران پذیرفته شده اند یا خیر؟ که در این مقاله به آن می پردازیم.

۱- حق فسخ اجتناب فروشنده از قرارداد (ماده ۴۹)

۱-۱- طرح موضوع

ماده ۴۹ کنوانسیون بیع بین المللی کالا مقرر می دارد:

« (۱) خریدار می تواند فسخ قرارداد را اعلام کند:

(الف) چنانچه عدم ایفای هریک از تعهدات فروشنده طبق قرارداد یا کنوانسیون حاضرنقض اساسی قرارداده شمار آید؛ یا

(ب) در مورد عدم تسلیم، چنانچه فروشنده کالا را ظرف مهلت اضافی تعیین شده توسط خریدار طبق بند (۱) ماده ۴۷ تسلیم نکند یا اعلام نماید که ظرف مهلت مزبور تسلیم نخواهد نمود.

(۲) با این وجود، در مواردی که فروشنده کالا را تسلیم نموده است، خریدار حق اعلام فسخ قرارداد را از دست می دهد، مگر اینکه او

به نحو زیر اعلام فسخ کند:

(الف) در ارتباط با تاخیر در تسلیم، ظرف مهلت معقول پس از آگاهی از تسلیم کالا؛

(ب) در ارتباط با هر گونه نقضی غیر از تاخیر در تسلیم، ظرف مهلت معقول:

(اول) پس از اینکه از نقض مطلع شده یا می بایست مطلع می شده است؛

(دوم) پس از انقضای هر گونه مهلت اضافی تعیین شده از سوی خریدار طبق بند (۱) ماده ۴۷ یا پس از اعلام فروشنده مبنی بر اینکه

ظرف مهلت اضافی مزبور تعهداتش را ایفا نخواهد نمود؛ یا

(سوم) پس از انقضای هر گونه مهلت اضافی تعیین شده از سوی فروشنده طبق بند (۲) ماده ۴۸، یا پس از اعلام خریدار مبنی بر اینکه

او اجرای تعهد را نخواهد پذیرفت. »

نقض قرارداد بی پاسخ نبوده و قانون گذار ضمانت اجرایی را برای حمایت از زیان دیده پیش بینی نبوده که در نظام کنوانسیون، طریقه جبران بر حسب شدت نقض متفاوت خواهد بود. کنوانسیون در ماده ۴۹ ضمانت اجرای فسخ قرارداد را تنها برای موارد خاصی که در آن نقض قرارداد اساسی بوده و طبق ماده ۲۵ زیان دیده را از آنچه که استحقاق انتظار آن را طبق قرارداد داشته اساساً محروم می سازد، پیش بینی نموده است. همچنین طبق شق ب بند ۱ ماده ۴۹ در صورت تاخیر در تسلیم کالا، خریدار خواهد توانست با انقضای مهلت اضافی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید ولو اینکه نقض از نوع اساسی تلقی نشود.

بنابراین خریدار با تحقق دو شرط اساسی بودن نقض و انقضای مهلت اضافی طبق شق ب بند ۱ ماده ۴۹ و عدم ایفای تعهد از سوی فروشنده ظرف مهلت مزبور می تواند قرارداد را فسخ نماید و در این راستا لازم نیست که برای نفوذ فسخ قرارداد به دادگاه مراجعه کند و با ارسال اخطار موضوع ماده ۲۶ چنین فسخی نافذ خواهد بود.

۱-۲- جهات الغا

پارگراف یک از ماده ۴۹، دو زمینه را که خریدار می تواند برآن اساس قرارداد را ملغی نماید، بیان می کند:

(الف) زمانی که قصور فروشنده در اجرای هریک از تعهداتش به منزله ی نقض بنیادین قرارداد باشد.

(ب) در خصوص عدم تحویل در حالتی که فروشنده طی مدت اضافی که براساس اعلامیه Nachfrist ماده ۴۷ تعیین شده است کالا را

تحویل ندهد.

طرف متضرر برای رهایی از تعهد قراردادی، نیازی به مراجعه به دادگاه ندارد. الغای قرارداد، تنها با یک اعلام که طی اخطاری به طرف دیگر ابلاغ می شود، نافذ و موثر خواهد بود. (ماده ۲۶) البته چنانچه الغای قرارداد در کنوانسیون مجوز نداشته باشد، هر گونه تلاش برای الغا غیر موثر خواهد بود. نکته ی اساسی این است که انتقال ضمان، در دوره ی دادرسی به تاخیر نمی افتد فرایندی که خصوصاً در معاملات بین المللی مشکل و طاقت فرساست.

۱-۲-۱- الغا به خاطر نقض اساسی قرارداد

در خصوص قصور فروشنده در اجرای تعهداتش یک قاعده کلی اعمال می‌شود مبنی بر اینکه: در صورتی که نقض قرارداد اساسی محسوب شود، خریدار حق الغا خواهد داشت. بطور خلاصه، نقض قرارداد توسط (شخص الف) زمانی اساسی است که به چنان ضرری برای (شخص ب) منتهی شود که وی را به طور اساسی از آنچه طبق قرارداد استحقاق انتظارش را داشت محروم نماید. چهارچوب این متن، مبتنی بر این نتیجه بود که قراردادهای بین المللی معمولاً از چنان پیچیدگی و اهمیتی برای طرفین برخوردار می‌باشند که نباید تنها به دلیل انحرافات جزئی که با پرداخت خسارت، جبران شدنی هستند، قابل الغا باشند. (ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین المللی کالا)

مردود شمردن زمینه‌های جزئی برای الغا ضرورتاً منجر به شکل‌گیری معیار می‌شود که مبتنی بر شدت نقض بود. اعمال این معیار، ملازمه با لحاظ نیاز طرف متضرر به این طریق جبرانی (الغا) در پرتو تمام واقعیات موجود دارد. (جان او. هانولد ۱۳۹۴، ۳۶۶)

۱-۲-۲- عدم تحویل طی مهلت زمان اضافی مقرر در اعلامیه Nachfrist

این مورد که مبنای دوم برای الغای قرارداد محسوب می‌شود، در بحث از ماده (۱) ۴۷ که خریدار را مجاز به تعیین یک مهلت اضافی با طول معقول جهت اجرای تعهدات فروشنده می‌نمود، مورد بررسی قرار گرفت. این اعلامیه، حق فسخی را برای خریدار به وجود می‌آورد که بدون نیاز به اثبات اینکه عدم اجرای تعهد در مدت اضافی مقرر، نقض اساسی محسوب می‌شود، قابل اعمال خواهد بود. نکته قابل اشاره و تاکید در این مقوله این است که قصور فروشنده در متابعت از اعلامیه مذکور تنها زمانی مبنای الغا قرار می‌گیرد که مربوط به عدم تحویل کالا باشد.

در کنفرانس دیپلماتیک با اضافه کردن عبارت «در خصوص عدم تحویل» به ابتدای ماده (ب) (۱)، ۴۹ تاکید مجددی بر این نکته گذاشته شد. زمانی که خریدار یک مهلت اضافی قطعی با مدت معقول تعیین می‌نماید، این امر (در اصطلاح کامن لا) به این مهلت زمانی «اهمیت اساسی» می‌بخشد. با این وجود، در صورتی که هر گونه تاخیر در تحویل کالا، بر اساس اوضاع و احوال نقض اساسی قرارداد تلقی شود (مانند زمانی که قیمت کالاها در معرض نوسانات شدیدی است)، خریدار می‌تواند بر اساس پاراگراف (۱) الف و بدون اعطای مهلت اضافی قرارداد را الغا نماید. دلایل محدود نمودن حق الغای قرارداد به تاخیر در تحویل در پاراگراف (۱) ب (در مذاکرات کنفرانس دیپلماتیک توضیح داده شد. (جان او. هانولد ۱۳۹۴، ۳۶۸)

۱-۳-۱- فسخ قرارداد از سوی خریدار پس از تسلیم کالا

بطور کلی، خریدار ملزم به اعلام فسخ قرارداد ظرف مهلت زمانی مشخص نیست. با این وجود اصل مزبور در صورتی که کالا تسلیم خریدار شده باشد، با محدودیت‌هایی رو به رو است که در بند ۲ ماده ۴۹ پیش‌بینی شده است. در چنین مواردی خریدار باید فسخ قرارداد را در زمان معقول اعلام کند. مهلت معقول در صورت تاخیر در تسلیم طبق شق الف بند ۲ ماده ۴۹ از زمانی شروع می‌شود که خریدار نسبت به تسلیم کالا آگاه شده است. در مورد نقض سایر تعهدات مهلت معقول از زمانی شروع می‌شود که خریدار نسبت به نقض اطلاع حاصل نموده یا می‌بایست اطلاع حاصل می‌کرده است. (شعاریان و رحیمی ۱۳۹۳، ۶۱۷)

۱-۴- حق فسخ اجتناب فروشنده از قرارداد در حقوق ایران

در حقوق ایران فسخ عقد بیع به علت تخلف فروشنده در محدوده اختیارات قانونی (مواد ۳۹۶ به بعد قانونی مدنی) قابل تحلیل و ارزیابی است. قابل ذکر است که برخی از اختیارات مانند خیار مجلس و خیار شرط ارتباطی به تخلف طرف مقابل عقد ندارد و همچنین برخی از اختیارات برای هر دو طرف عقد متصور بوده (مانند خیار غبن و خیار عیب). و برخی دیگر مختص خریدار است (مانند خیار حیوان به موجب یکی از نظریات فقهی) و بعضی دیگر از اختیارات مانند خیار تاخیر ثمن به فروشنده اختصاص دارد. که در بخش دوم بطور مفصل به این مطالب پرداختیم و برای جلوگیری از تکرار مباحث از پرداختن به آن پرهیز می‌کنیم.

۲- عدم اجرای بخشی از قرارداد**۲-۱- طرح موضوع**

ماده ۵۱ کنوانسیون بیع بین المللی کالا مقرر می‌دارد:

«(۱) در صورتی که فروشنده تنها قسمتی از کالا را تسلیم کند یا فقط قسمتی از کالای تسلیم شده مطابق قرارداد باشد اصول ۴۶ تا ۵۰ در رابطه با بخشی که تسلیم نشده یا مطابق قرارداد نیست اعمال می‌گردد.

(۲)- خریدار فقط در صورتی می‌تواند از تمام قرارداد اجتناب کند که عدم توفیق در تسلیم همه ی کالا یا عدم توفیق در تسلیم کالای مطابق با قرارداد منجر به نقض اساسی قرارداد می‌گردد.»

تسلیم کالا از سوی فروشنده که تعهد اصلی اوست، می‌تواند به طرق مختلف مورد نقض قرار گیرد. تسلیم کالا از سوی فروشنده که تعهد اصلی اوست می‌تواند به طرق مختلف مورد نقض قرار گیرد. به عنوان مثال، فروشنده ممکن است از تسلیم تمام کالا خودداری ورزید یا تمام کالای تسلیم شده غیر منطبق با قرارداد باشد. در چنین مواردی در صورت اساسی بودن نقض قرارداد، خریدار خواهد توانست کل قرارداد را فسخ نماید. اما در برخی دیگر از اوضاع و احوال، فروشنده تنها قسمتی از کالا را تسلیم خریدار می‌کند یا تنها قسمتی از کالای تسلیمی با شرایط پیش بینی شده در قرارداد تطبیق می‌کند. در چنین مواردی این سوال مطرح می‌شود که آیا عدم انطباق بخشی از کالا یا عدم تسلیم بخشی از آن حق فسخ تمام قرارداد را به خریدار می‌دهد یا اصولاً خریدار تنها می‌تواند به ضمانت اجرای پیش بینی شده تنها در رابطه با همان قسمت غیر منطبق یا تسلیم نشده متوسل شود. کنوانسیون در راستای پیروی از سیاست کلی حفظ قرارداد تا حد ممکن در پاسخ به این سوال در ماده ۵۱ مقرر داشته است که «چنانچه فروشنده تنها قسمتی از کالا را تسلیم نماید یا چنانچه تنها قسمتی از کالای تسلیمی منطبق با قرارداد باشد، مواد ۴۶ تا ۵۰ نسبت به قسمتی که تسلیم نشده یا قسمتی که منطبق نیست اعمال می‌گردد.»

۲-۲- تحقق نقض اساسی نسبت به بخشی از قرارداد

از بند ماده ۵۱ کنوانسیون چنین برداشت می‌شود که خریدار حق دارد در صورتی که کالای تسلیم شده از سوی فروشنده خواه از جهت مقدار و خواه از جهت اوصاف منطبق با قرارداد نباشد، نسبت به قسمت تسلیم نشده یا غیر منطبق، مواد ۴۶ تا ۵۰ را که از جمله آن فسخ به دلیل تحقق نقض اساسی است، اعمال کند. در رای که از سوی یکی از مراجع داوری صادر شده، به خریدار اجازه داده شده است که قرارداد را نسبت به یک قسمت از دستگاه فروخته شده که از نظر کارکرد، مستقل از سایر اجزاء بوده است، فسخ کند. در صورت عدم تصریح به حکم مزبور می‌بایست به این شکل استدلال می‌کردیم که از منظر کنوانسیون فسخ کل قرارداد فقط در مواردی که نقض انجام شده نسبت به کل اساسی تلقی می‌گردد، مجاز است، بنابراین هنگامی که فروشنده قسمتی از کالا را تسلیم نمی‌کند یا قسمتی از کالا منطبق با اوصاف مندرج در قرارداد نیست و این نقض جزئی هم نسبت به کل قرارداد اساسی محسوب نمی‌شود، خریدار ناگزیر به قبول کل قرارداد و استفاده از سایر ضمانت‌های ناشی از نقض نظیر مطالبه خسارات یا تقلیل ثمن یا اجرای اجباری قرارداد بوده و حق فسخ ندارد.

به علاوه ماده ۷۳ نیز اختصاص به فرض ویژه قراردادهای اقساطی دارد و در سایر موارد قابل اعمال نیست. به هر حال اکنون با وجود بند ماده ۵۱ به راحتی می‌توان گفت فسخ بخشی از قرارداد جایز است هر چند نقض این بخش اجرا نشده از آن اندازه شدت برخوردار نباشد که موجب تحقق نقض اساسی نسبت به کل قرارداد گردد. (میرزا نژاد جویباری ۱۳۸۲، ۳۰۶)

۲-۳- تحقق نقض اساسی نسبت به کل قرارداد

یکی از اهداف پارگراف ۲ ماده ۵۱، تبیین این نکته است که پارگراف یک، خریدار را مجبور به تخصیص دادن کالای غیر مطابق با قرارداد، برای استفاده ی جداگانه نمی‌نماید. در صورتی که نقض بخشی از قرارداد توسط فروشنده، برای خریدار چنان ضرری اساسی به وجود آورد که به منزله ی نقض اساسی قرارداد باشد، خریدار می‌تواند کل قرارداد را لغا نماید (رد کالا).

تعریف «نقض اساسی» در ماده ۲۵، ملازمه با بررسی دقیق واقعیات هر مورد، در ارتباط با اهدافی دارد که از الغای قرارداد مد نظر است. یک مولفه اساسی در خصوص الغای جزئی قرارداد، تعیین این مسئله است که آیا عدم تطابق بخشی از کالا، محل استفاده یا قابلیت فروش بقیه ی کالاها می‌باشد یا خیر.

بند دوم با بیان این امر که الغای کل قرارداد، تنها بر مبنای نقض اساسی قرارداد امکان پذیر می‌باشد، نکته ی جدیدی را اضافه می‌نماید. نیازی نیست خریدار اثبات نماید که نقض مذکور، اساسی می‌باشد (ماده ۴۹ (ب)). با این وجود، خریدار نمی‌تواند بر مبنای قصور فروشنده در انجام درخواست وی اعلامیه Nachfrist (دادن فرصت اضافی برای اجرای قرارداد توسط یکی از طرفین به طرف دیگر) کل قرارداد را ملغی نماید بلکه برای این کار باید ثابت نماید که قصور انجام شده، نقض اساسی کل قرارداد محسوب می‌شود. (مواد ۴۹ (الف) و ۵۲ (۲)).

به طور خلاصه، در باب موضوع حق خریدار در الغای کل قرارداد می‌توان گفت براساس ماده ۵۱ (۲)، خریدار تنها در صورتی می‌تواند کل قرارداد را لغا نماید که نقض اساسی قرارداد به عنوان یک کل واحد، واقع شده باشد. (جان او. هانولد ۱۳۹۴، ۳۸۶)

۲-۴- عدم اجرای بخشی از قرارداد در حقوق ایران

به عنوان قاعده کلی در حقوق ایران هرگاه فروشنده بخشی از تعهد خود را اجرا نماید، خریدار می‌تواند نسبت به آن قسمت از تعهد که نقض شده است، به ضمانت‌های موجود از جمله الزام به ایفای باقی مانده تعهد متوسل شود. در حقوق ایران طبق نظر مشهور

حقوقدانان و فقها، امکان فسخ بخشی از قرارداد وجود ندارد. مواد ۲۷۷ و ۴۳۱ قانون مدنی از جمله مقرراتی است که امکان فسخ جزئی قرارداد را نمی‌پذیرد، اما برخی از نویسندگان معتقدند که هرگاه از اوضاع و احوال و قرائن استنباط شود که از نظر طرفین، قرارداد منعقد شده مرکب از چندین قرارداد است که به دلایل مختلف ضمن یک عقد گنجانده شده است، باید آن را قابل تجزیه تلقی دانست و به طرف عقد اختیار داد تا نسبت به بخش نقض شده قرارداد اعمال حق فسخ کند، مانند مواردی که در ماده ۴۱۲ قانون مدنی پیش بینی شده است. اما باید توجه داشت که استناد به ماده مذکور برای توجیه فسخ جزئی صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا به موجب ماده مذکور امکان فسخ به صراحت رد شده است. (شعاریان و رحیمی ۱۳۹۳، ۶۵۳)

۳- حق فسخ اجتناب خریدار از قرارداد (ماده ۶۴)

۳-۱- طرح موضوع

ماده ۶۴ کنوانسیون بیع بین المللی کالا مقرر می‌دارد:

«فروشنده می‌تواند [در موارد ذیل] اعلام نماید که از قرارداد اجتناب کرده است.

الف- در صورتی که عدم توفیق خریدار در ایفاء هر کدام از تعهداتش به موجب قرارداد یا این کنوانسیون نقض اساسی قرارداد محسوب شود؛ یا

ب- چنانچه خریدار ظرف مهلت اضافی که توسط فروشنده براساس پارگراف (۱) از اصل ۶۳ تعیین شده است تعهدات خود را دایر بر پرداخت ثمن یا قبض کالا ایفاء نکند یا اعلام نماید که در ظرف مهلت مذکور به تعهداتش جامه عمل نخواهد پوشاند.

(۲)- معهذ، در مواردی که خریدار ثمن را پرداخته باشد فروشنده حق اعلام اجتناب از قرارداد را از دست خواهد داد مگر اینکه او

این کار را به طریق ذیل انجام دهد:

الف- در رابطه با تاخیر در ایفاء تعهد خریدار، قبل از اینکه فروشنده واقف به ایفاء تعهد شود؛ یا

ب- در رابطه با هرگونه نقض دیگری بجز تاخیر در ایفاء از طرف خریدار، ظرف مدت متعارفی که:

(یک)- بعد از اینکه او دانست یا باید می‌دانست که قرارداد نقض شده است؛ یا

(دو)- پس از انقضای مهلت اضافی که مطابق پارگراف (۱) اصل ۶۳ توسط فروشنده تعیین شده است، یا بعد از اینکه خریدار اعلام کرد

که او در مهلت اضافی نیز به تعهداتش عمل نخواهد کرد.

در صورت تحقق شرایط پیش بینی شده در ماده ۶۴، بایع می‌تواند قرارداد را فسخ نماید. اما باید توجه داشت که حتی در فرض

تحقق شرایط مزبور وی همچنان می‌تواند الزام خریدار به ایفاء تعهداتش را طبق ماده ۶۲ کنوانسیون تقاضا نماید یا طبق ماده ۶۳ کنوانسیون

مهلت اضافی برای ایفاء تعهدات وی تعیین کند. البته در چنین وضعیتی نیز او حق اعلام فسخ قرارداد را طبق ماده ۶۴ از دست نخواهد داد.

۳-۲- اعلام فسخ قرارداد تحت شقوق الف و ب ماده (۱) ۶۴

اگر شروط اصل ۶۴ محقق شد فروشنده قانوناً مجاز است (اما وظیفه ندارد) قرارداد را فسخ کند. او می‌تواند حتی در این مورد هم از

خریدار بخواهد که به تعهداتش عمل کند یا برای ایفاء تعهد علیه وی اقامه دعوی نماید (اصل ۶۲) یا اینکه از وی بخواهد تا وظایف خود را در ظرف یک دوره ی زمانی اضافی مذکور در اصل ۶۳، به مرحله اجرا در آورد.

قطعا فروشنده با انجام چنین کاری حق خود را مبنی بر اعلام فسخ قرارداد بموجب اصل ۶۴ از دست نمی‌دهد.

فروشنده نمی‌تواند بخاطر نقض قرارداد توسط خریدار قرارداد را فسخ شده اعلام کند مگر اینکه شروط اضافی

اصل (ب) (الف) (۱) ۶۴ محقق گردد. این شروط مربوط به وظایفی که خریدار موفق به اجرای آنها نشده است یعنی کیفیت نقض، و زمان فسخ

قرارداد، می‌باشد.

اعلام فسخ قرارداد توسط فروشنده بموجب اصل (الف) (۱) ۶۴ مشروط بر این است:

الف- خریدار موفق به اجرای هر کدام از تعهداتش که مذکور در قرارداد یا کنوانسیون است نشود، و

ب- عدم توفیق خریدار در اجرا منجر به نقض اساسی قرارداد شود.

ج- شرائطی موجود باشد که در آن حق فروشنده مبنی بر اعلام فسخ قرارداد فوراً بعد از نقض قرارداد موثر واقع شود.

اعلام فسخ قرارداد توسط فروشنده بموجب اصل (ب) (۱) ۶۴ ایجاب می‌کند:

الف- خریدار یا موفق به اجرای تعهدش مبنی بر پرداخت ثمن نشود یا توفیق در ایفاء تعهدش دایر بر قبض کالا را پیدا نکند، اما نه

وظایف دیگر، و

(ب) - او موفق به اجرای یکی از وظایف مذکور، در ظرف مهلت اضافی تعیین شده توسط فروشنده که در اصل ۶۳ مذکور است، نشود یا به فروشنده خبر دهد که او وظایفش را در ظرف مهلت تعیین شده اجرا نخواهد کرد؛

(ج) - به هر حال اهمیتی ندارد که عدم توفیق خریدار مبنی بر تادیه ثمن یا قبض کالا منجر به نقض اساسی قرارداد بشود یا خیر.

اگر خریدار به تعهدات خود عمل ننماید فروشنده مجاز است تا قرارداد را در موارد ذیل فسخ کند:

(الف) - در مواردی که در اصل (الف) (۱) ذکر شده است از تاریخ بعد نقض اساسی قرارداد، یعنی، روز بعد از اینکه موعد انجام وظیفه فرا رسیده باشد یا هر روز بعد از آن؛

(ب) - در موارد مذکور در اصل (ب) (۱) ۶۴؛ ۱- از تاریخی که بعد از آخرین روز دوره ی مهلت اضافی تعیین شده توسط فروشنده بموجب اصل ۶۳، یعنی روز بعد از انقضاء دوره ی مهلت اضافی که آنچنان تعیین شده باشد؛ ۲- یا از تاریخی که، بر حسب مورد، اعلام امتناع از ایفاء تعهد توسط خریدار به فروشنده برسد.

اعلام فسخ قرارداد توسط فروشنده فقط وقتی موثر است که همراه با اخطار به خریدار باشد و معنی آن این است که اعلام فسخ باید خطاب به خریدار باشد و به آدرس وی فرستاده شود. برای اجتناب از هرگونه ابهام در اینکه آیا قرارداد هنوز به قوت خود باقی است یا خیر، اعلام فسخ قرارداد باید صریح و واضح باشد. معنی و مفهوم این کلام این است که فسخ باید با عباراتی بیان شود که روشنتر فسخ قرارداد باشد. (داراب پور ۱۳۹۱، ۳۴۴)

۳-۳- حق فسخ اجتناب خریدار از قرارداد در حقوق ایران

ماده ۴۰۲ قانون مدنی مقوره ای است که به نحو صریح امکان فسخ بیع به جهت عدم پرداخت ثمن را برای فروشنده پیش بینی نموده است. شرایط تحقق حق فسخ مزبور به اندازه ای دشوار است که در حوزه ی تجارت بین الملل عملاً امکان استفاده به آن وجود ندارد چرا که از شرایط خیار تاخیر ثمن، نقد بودن بیع است و بدیهی است که در تجارت بین الملل پرداخت نقدی ثمن به ندرت اتفاق می افتد. همچنین شرط دیگر تحقق خیار مزبور آن است که مبیع عین معین باشد، در حالیکه در تجارت بین المللی مبیع معمولاً کلی است. نظر به اینکه در حقوق ایران ثمن می تواند غیر از وجه نقد باشد، بنابراین این سوال مطرح می شود که هرگاه ثمن معامله مال معینی بوده و بعد از تسلیم، فروشنده متوجه شود که مطابق با اوصاف نیست و به عبارت دیگر ثمن تسلیمی غیر منطبق باشد، آیا امکان فسخ قرارداد برای فروشنده از این جهت وجود دارد یا نه؟ به عبارت دیگر آیا می توان گفت که فروشنده از باب خیار تخلف وصف امکان فسخ قرارداد را خواهد داشت؟

قانون مدنی ایران در مواد ۴۱۰، ۴۱۱ و ۴۱۲ ظاهراً فسخ قرارداد به استناد خیار تخلف فسخ را منحصر به مبیع نموده است، زیرا در هیچ یک از مواد مذکور نامی از ثمن برده نشده است. اما برخی از حقوقدانان بیان داشته اند که با توجه به ملاک مواد مذکور در رفع ضرر زیان دیده شکی در جاری بودن خیار تخلف وصف نسبت به ثمنی که با اوصاف مقدره منطبق نیست وجود ندارد. همچنین هرگاه ثمن تسلیمی معیوب بوده و مطابق با قرارداد نباشد، فروشنده می تواند به استناد ماده ۴۳۷ قانون مدنی قرارداد را فسخ نماید. (شعاریان و رحیمی ۱۳۹۳، ۷۵۶)

۴- فسخ ناشی از نقض احتمالی (ماده ۷۲)

۴-۱- طرح موضوع

ماده ۷۲ کنوانسیون بیع بین المللی کالا مقرر می دارد:

«(۱) چنانچه قبل از تاریخ اجرای قرارداد، روشن شود که یکی از طرفین مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهد شد، طرف مقابل می تواند فسخ قرارداد را اعلام نماید.

(۲) چنانچه زمان ایجاب کند، طرفی که قصد اعلام فسخ قرارداد را دارد، باید اخطار معقولی را به طرف دیگر ارسال کند تا به طرف مزبور امکان ارائه اطمینان کافی برای اجرای تعهدش را فراهم سازد.

(۳) چنانچه طرف دیگر اعلام نموده باشد که تعهدات خود را ایفا نخواهد نمود، شرایط بند پیشین اعمال نمی گردد.»

به موجب این ماده چنانچه قبل از رسیدن موعد اجرای تعهد به نحو معقولی آشکار شود تعهد اجرا نخواهد شد مانند آنکه متعهد اعلام کند از ایفاء تعهداتش خودداری خواهد نمود، طرف مقابل می تواند با ارسال اخطاری تصمیم خود را بر فسخ قرارداد اعلام نماید و چنانچه متعهد حاضر به ارائه تضمین مناسب برای اجرای قرارداد نگردد متعهد له حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

۴-۲- بررسی شرایط ایجاد حق فسخ به دلیل پیش بینی نقض در کنوانسیون بیع بین المللی کالا

با توجه به ماده ۷۲ کنوانسیون بیع بین المللی کالا، شرایط فسخ قرارداد به دلیل پیش بینی نقض را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

الف- فرا نرسیدن موعد تعهد: منظور از فرا نرسیدن موعد تعهد، فاصله زمانی بین زمان انعقاد عقد و موعد اجرای تعهد ناشی از آن است. چرا که اگر موعد تعهد فرا رسیده باشد و متعهد از انجام تعهدات خودداری کند متعهد له امکان توسل به راه حل های جبران خسارت عدم اجرای تعهد مقرر در کنوانسیون را خواهد داشت که گزینش هر کدام بستگی به شرایط موجود در قرارداد دارد. از طرفی در صورتی که در وقوع نقض در زمان عقد یا پیش از آن آشکار باشد مثلاً معلوم باشد که انجام تعهد ۱۰ روز طول خواهد کشید ولی در ضمن عقد مدت آن را ۴ روز قرار داده باشند می توان گفت متضرر از نقض با علم به آن، در واقع حق خود را به طور ضمنی نسبت به فسخ قرارداد اسقاط نموده است.

ب- آشکار بودن نقض در آینده: شاید مهمترین بحث در ماده ۷۲ کنوانسیون مربوط به «آشکار بودن نقض» باشد. سوالی که در این زمینه مطرح می شود این است که معیار آشکار بودن چیست؟ برخی معتقدند معیار قاطع در ماده ۷۲ این است که آیا شخص متعارف متقاعد خواهد داشت که مطمئناً نقض قرارداد رخ خواهد داد یا نه؟ به عبارت دیگر در این خصوص ملاک مورد قبول معیار نوعی خواهد بود، چرا که بر اساس بند ۲ ماده ۷، معیار تفسیر کنوانسیون، اصول کلی حقوقی مندرج در آن است و مواردی نظیر بند ۳ ماده ۸، بند ۲ ماده ۹، بند ۱ ماده ۳۹، بند ۱ ماده ۴۳ و... نیز معیار نوعی را مورد توجه قرار داده اند.

پ- اساسی بودن نقض: ماده ۷۲ کنوانسیون شرط لازم برای فسخ قرارداد را اساسی بودن نقض می داند و ماده ۲۵ در تعریف نقض اساسی مقرر می دارد: «نقض قرارداد توسط یکی از طرفین هنگامی نقض اساسی محسوب می شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر گردد که او را از آنچه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است اساساً محروم کند، مگر اینکه طرفی که مبادرت به نقض قرارداد نموده است چنین نتیجه ای را پیش بینی نمی کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در اوضاع و احوالی مشابه، نمی توانسته است آن امر را پیش بینی کند».

از جمله اقداماتی که میتوان نقض اساسی قرارداد تلقی شده و بر مبنای آن قرارداد را پیش از زمان اجرا فسخ کرد، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

فروش کالایی که تعهد به تحویل آن شده است؛ یا فروش ماشین آلات تولیدی که فروشنده تعهد کرده بود تا کالا را به وسیله آن برای خریدار تولید نماید. همین طور وقتی که قرار است متعهد کالایی را تولید کرده و در زمان مشخص تحویل دهد ولی هیچ اقدامی را برای تولید انجام نداده است؛ و رشکستگی متعهد را نیز می توان از موارد پیش بینی نقض اساسی دانست.

د- ارسال اخطار معقول: فسخ قرارداد و نتیجتاً عدم اجرای آن بدون اعلان قبلی سبب خواهد شد که طرف دیگر کماکان انتظار اجرای قرارداد را داشته باشد. لذا مطابق بند ۲ ماده ۷۲ کنوانسیون اگر زمان کافی وجود داشته باشد، اخطار قبلی مبنی بر فسخ قرارداد ضروری است. البته وسایل نوین ارتباطی ارسال چنین اخطاری را بدون اخلاف در آزادی عمل طرف زیان دیده امکان پذیر می سازند. قطعاً اگر زمان کافی وجود داشته باشد، ارسال این اخطار از لوازم حسن نیت خواهد بود.

لازم به ذکر است که منظور از ارسال اخطار صرف ارسال نیست بلکه قاعده ی کلی در کنوانسیون «و اصل شدن کلیه اطلاعات اراده» است. همان طور که ماده ۷۲ نیز اشاره می کند این اخطار می بایست معقول باشد به نحوی که متعهد فرصت کافی برای ارائه تضمین مناسب داشته باشد. در این مورد نیز با توجه به مفهوم مواد مختلف کنوانسیون باید گفت ملاک و معیار، ضابطه نوعی، البته با لحاظ شرایط خاص حاکم بر اجرای قرارداد و توانایی های شخص متعهد، خواهد بود.

ه- عدم ارائه تضمین مناسب از سوی متعهد: معنی تضمین مناسب آن است که نسبت به اجرای قرارداد و یا جبران تمامی زیان های ناشی از عدم اجرا اطمینان حاصل شود. البته لازم نیست تضمینات، اجرای کامل قرارداد را تضمین نماید، به عبارتی ممکن است اجرای با تاخیر، تضمین شود. در این صورت، چنانچه اجرای با تاخیر نقض اساسی نباشد قطعاً امکان فسخ قرارداد وجود نخواهد داشت. اما «این تضمین باید به صورتی باشد که موجب اطمینان و رضایت طرف قرارداد شود.» در واقع، باید مدارک مستند ارائه و یا اقدامات عملی برای این کار صورت گیرد؛ مانند تضمین پرداخت قیمت کالا توسط بانک یا اثبات این که توقف تولید به علت نبود مواد اولیه بوده و با تامین مواد اولیه از منبع دیگر تولید ادامه خواهد یافت؛ یا در مواردی که علت ظن به عدم اجرا، ناشی از اعتصاب کارگران باشد ضمانت اجرا باید حاکی از این باشد که اعتصاب مرتفع شده یا منبع جایگزینی برای آن وجود دارد. در مواردی که علت، مصنوعیت در صادرات است گرفتن اجازه ی صدور می تواند تضمین مناسبی باشد. (امینی و مافی و اعظمی چهار برج ۱۳۹۰، ۳۷)

۳-۴- فسخ ناشی از نقض احتمالی در حقوق ایران

در حقوق ایران، مقرراتی شبیه ماده ۷۲ کنوانسیون مشاهده نمی‌شود، چون متعهد له برای به کارگیری ضمانت اجرای عدم انجام تعهدات قراردادی باید تابع سر رسید موعد انجام تعهدات باشد. یعنی برای ایفاء تعهد زمانی مشخص شده و آن را زمان سپری شده باشد یا متعهد له انجام تعهد را مطالبه کرده و متعهد به تعهد خویش عمل نکرده باشد. البته مشروط به این که تعیین زمان اجرای تعهد در اختیار متعهد له باشد. به واقع عنصر زمان و موعد انجام تعهد در حقوق ایران از اهمیت برخوردار است و قبل از فرا رسیدن آن، امکان مطالبه ی خسارات یا فسخ قرارداد به علت پیش بینی نقض فراهم نیست.

بر اساس ماده ۲۱۹ قانون مدنی: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.» از سوی دیگر با فرا رسیدن موعد انجام تعهد و عدم اجرای آن، متعهد له ابتدا باید به اجبار وی متوسل شود یا تعهد به وسیله ی شخص دیگر و به خرج متعهد صورت پذیرد و در نهایت اگر این کار هم ممکن نبود، به متعهد له حق فسخ معامله داده خواهد شد (استنباط از مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی). از این رو به طریق اولی در خصوص پیش بینی نقض نمی‌توان به وی حق فسخ را اعطا کرد.

با این همه ممکن است این نظریه مطرح شود که بر مبنای قاعده شروط و شرط ضمن عقد بتوان امکان فسخ قرارداد را بر اساس پیش بینی نقض فراهم آورد. قاعده شروط مقرر می‌نماید، تعهدات و شروطی که میان طرفین چه به صورت ابتدایی و چه به صورت شرط ضمن عقد منعقد شده چنان چه شرایط اعتبار را برخوردار باشند (مشروع بودن، مقدور بودن، منجز بودن، مجهول و خلاف مقتضای عقد نبودن و...) نافذ و لازم الاجرا است و مشروط علیه (متعهد) نمی‌تواند از انجام آنها طفره رود. آیه ی «أوفوا بالعقود» (سوره ی مائده/آیه ۱) و احادیث فراوانی از جمله روایت معروف (المومنون عند شرطهم) دلیل این قاعده است.

بدین ترتیب متعهد له در قرارداد این شرط را مندرج کند که هر گاه طرف مقابل از پیش تصمیم به عدم انجام و ترک اجرای تعهدات قراردادی خود بگیرند و بر متعهد له بر پایه قرائن و شواهد مسلم احراز شود که متعهد نمی‌خواهد یا نمی‌تواند در موعد انجام تعهدات، به اجرای آنها مبادرت ورزد، یا پیش از این تاریخ معلوم شود که یک طرف مرتکب نقض اساسی و عمده قراردادی شود، طی مراتبی (نظیر اعلام و اخطار) حق تعلیق یا فسخ برای متعهد له ایجاد شود.

لیکن اشکال این نظر در مجهول بودن چنین شروطی است، به واقع شروطی که به موجب آن یک طرف مقرر می‌دارد که چنان چه قبل از تاریخ اجرای قرارداد معلوم شود که طرف مقابل مرتکب نقض اساسی قرارداد می‌شود، حق فسخ یا تعلیق برای او ایجاد شود، در بردارنده ی مواردی نامعین، مبهم و مجهول است که می‌تواند مستند علم و شخص و مورد استفاده نادرست و سوءبرداشت قرار گیرد.

از این ها گذشته، در حقوق ایران مواردی را می‌توان در قانون مدنی و قانون تجارت ملاحظه کرد که با پیش بینی نقض تعهد توسط یک طرف به طرف دیگر مقابل حق داده شده که قرارداد را فسخ کند. از جمله این موارد خیار تعذر تسلیم است که در فقه و حقوق مورد عنایت قرار گرفته است. بدین توضیح که اگر فروشنده یا خریدار نسبت به تسلیم مبیع یا ثمن معتذر شوند طرف دیگر حق دارد قرارداد بیع را فسخ کرده و اگر مبیع یا ثمن را تسلیم کرده است از فرد متعذر مسترد کند. (مواد ۳۸۰، ۲۴۰، ۲۳۹ و ۵۳۴ قانون مدنی)

این مطلب به گونه ای دیگر در خیار تفلیس مطرح است که در خصوص تعذر تسلیم ثمن از سوی خریدار بر اثر افلاس پدید می‌آید، ماده ۳۸۰ قانون مدنی در این باره مقرر داشته است: «در صورتی که مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد، بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد می‌تواند از تسلیم آن امتناع کند.» لذا چنین استنباط می‌شود که اگر پیش از فرا رسیدن زمان تسلیم مبیع یا پرداخت ثمن یکی از دو طرف بنا به دلایل و شواهد قوی و محکمه پسند به این نتیجه برسد که طرف مقابل قادر نخواهد بود در موعد مقرر به تعهد خود عمل نماید و مبیع یا ثمن را تسلیم کند، وی حق خواهد داشت بر مبنای تعذر بر تسلیم یا عدم قدرت بر تسلیم قرارداد را فسخ نماید.»

همچنین به نظر می‌رسد در ماده ۲۳۸ قانون تجارت قانون گذار به پیش بینی نقض تعهد توجه کرده و بر این اساس مقرر داشته است: «اگر علیه کسی که براتی را قبول کرده، ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تادیه شود. دارنده ی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می‌تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.» لیکن ضمانت اجرای عدم معرفی ضامن یا عدم ارائه تضمین مناسب برای آن در این ماده بیان نشده است.

با این ترتیب باید پذیرفت که نظریه ی فسخ قرارداد از ناحیه ی متعهد له قبل از فرارسیدن زمان اجرای تعهد، به سبب پیش بینی نقض در حقوق ایران به صورت یک قاعده پذیرش نشده است و تنها به صورت موردی، آن هم با پاره ای توجیه می‌توان به مواد ۳۸۰ قانون مدنی یا ۵۳۳ قانون تجارت اشاره کرد. (مقدادی ۱۳۸۶، ۲۲)

۵-فسخ قراردادهای اقساطی(ماده ۷۳)**۵-۱-طرح موضوع**

ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین المللی کالا مقرر می‌دارد:

الف-«در مورد قرارداد تسلیم کالا به نحو اقساط، اگر عدم توفیق یک طرف نسبت به ایفاء هر کدام از تعهداتش در رابطه با هر قسط، متضمن نقض اساسی قرارداد در رابطه با آن قسط باشد، طرف دیگر می‌تواند اعلام اجتناب از قرارداد در رابطه با آن قسط نماید.

ب-اگر عدم توفیق یک طرف در ایفاء تعهداتش نسبت به هریک از اقساط زمینه‌های مناسبی را به طرف دیگر بدهد که استنباط نماید نقض اساسی قرارداد در رابطه با اقساط آتی صورت خواهد گرفت او(طرف اخیر)می‌تواند قرارداد را نسبت به آینده مفسوخ اعلام نماید مشروط بر اینکه ظرف مدت متعارفی اقدام به چنین امری نماید.

ج-خریداری که اعلام اجتناب از قرارداد در رابطه با هریک از اقساط تسلیم شده می‌نماید می‌تواند همزمان با چنین اعلامی نسبت به اقساطی که تا بحال تسلیم نشده است یا اقساط آتی نیز اعلام فسخ نماید مشروط بر اینکه بعثت وابستگی متقابل اقساط کالا به یکدیگر نتوان از کالا هائی که تسلیم شده یا می‌شود در مقاصد مورد نظر طرفین که در زمان انعقاد قرارداد ملحوظ بوده استفاده کرد.»

کنوانسیون به دلایل مختلف امکان فسخ قرارداد را محدود به موارد نقض اساسی نموده است و در تعیین حقوق زیان‌دیده ضمانت اجرای مذکور به عنوان آخرین راهکار مد نظر کنوانسیون است. حتی در صورتی که کالای موضوع قرارداد به لحاظ طبیعی قابل تفکیک باشد(ماده ۵۱ کنوانسیون)، امکان فسخ قرارداد را فقط به آن قسمت از کالا که با قرارداد منطبق نیست، محدود ساخته است.

در راستای پیروی از همین سیاست، ماده ۷۳ کنوانسیون مقرر داشته است، چنانچه موضوع قرارداد بیع تسلیم کالا به نحو اقساط باشد، امکان فسخ قرارداد اصولاً منحصر به بخشی است که با قرارداد منطبق نیست یا تسلیم نشده است. اما چنانچه نقض قرارداد در رابطه با یک قسط دلایل قانع کننده ای به زیان‌دیده بدهد که نقض اساسی قرارداد نسبت به اقساط آتی نیز اتفاق خواهد افتاد، وی می‌تواند فسخ قرارداد نسبت به اقساط آتی را نیز اعلام نماید. حتی تحت شرایط بند ۳ ماده ۷۳ کنوانسیون هر دو مورد نقض بالفعل و نقض قابل پیش بینی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

ممکن است از نحوه بیان ماده که مقرر داشته است «در مورد قرارداد تسلیم کالا به نحو اقساطی ...» اینگونه استنباط شود که ماده منحصر در وضعیت هایی که فروشنده مرتکب نقض قرارداد می‌شود، قابل اعمال است. اما باید توجه داشت که ماده ۷۳ کنوانسیون در رابطه با نقض تعهد از سوی خریدار نیز قابل اعمال است. مانند موردی که فروشنده متعهد بوده که تا کالا را به نحو اقساط تسلیم کند، اما خریدار از قبض یک قسط از کالا خودداری می‌کند. در چنین وضعیتی اگر عدم قبض به موقع کالا نقض اساسی محسوب شود، فروشنده می‌تواند قرارداد را نسبت به همان قسط فسخ کند و چنانچه چنین نقض دلایل خوبی در اختیار وی قرار دهد که نقض قرارداد نسبت به اقساط آتی نیز اتفاق خواهد افتاد. (شعاریان و رحیمی ۱۳۹۳، ۸۴۲)

۵-۲-بررسی ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین المللی کالا

در بند اول ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین المللی کالا ابتدائاً حالتی را در نظر می‌گیرد که عدم ایفای تعهد در مورد اجرای هر قسط توسط یکی از طرفین، نقض اساسی محسوب می‌شود؛ در این صورت طرف زیان دیده در رابطه با آن قسمت اختیار اعلام فسخ دارد.

به عنوان مثال: اگر به موجب یک قرارداد، هزار تن ذرت درجه یک فروخته شود که در ۱۰ مرحله تحویل داده شود، اگر هنگامی که مرحله پنجم تحویل داده می‌شود، این مرحله تحویل داده شده مناسب برای مصارف غذایی انسان نباشد، اگر چه در مجموع قرارداد چنان تحویلی نقض اساسی تمام قرارداد محسوب نشود، خریدار می‌تواند با استفاده به بند ۱۱ اصل ۷۳ کنوانسیون بیع بین المللی کالا، قرارداد را فسخ کند و در نتیجه، قرارداد در عمل به یک قرارداد برای تسلیم ۹۰۰ تن و به تناسب قیمت آن اصلاح و تبدیل می‌شود.

مثال دیگر، اگر به موجب قراردادی که فی ما بین شرکتهای الف و ب منعقد گردیده شرکت الف براساس قرارداد مذکور متعهد شده باشد که قطعات یک دستگاه از یک کارخانه ماشین سازی را در سه ماه ژانویه، فوریه و مارس به شرکت ب بدهد حال اگر تحویل کالا در ماه ژانویه شدیداً ناقص باشد و یا خریدار قادر به پرداخت اقساط تحویل ژانویه نشود، فروشنده و خریدار به موجب بند ۱۱ اصل ۷۳ کنوانسیون از چه حقوقی برخوردار می‌باشد؟ به نظر می‌رسد که پارگراف ۱۱ از ماده ۷۳ به مسائلی می‌پردازد که در صورت قصور هر دو طرف قرارداد برای انجام تعهداتش در مورد اقساط از قرارداد بزرگتر به وجود می‌آید اشاره می‌کند. بنابراین در خصوص مسئله مطرح شده، این چنین می‌توان پاسخ داد که اگر کالای تحویل داده شده در ماه ژانویه ناقص باشد خریدار مجاز خواهد بود تحویل ماه ژانویه را رد نماید و یا اگر خریدار در پرداخت قسط ماه ژانویه قصور کند فروشنده مجاز است که از تسلیم و تحویل کالا در ژانویه خودداری نماید.

بنابراین، با توجه به مطالب فوق و بند ۱ اصل ۷۳ کنوانسیون بیع بین المللی کالا، جهت اجرای این بند باید به نکات ذیل توجه نمود:

الف-مطلبی که در بند ۱ تشریح شده است، قوانینی را در مورد نقض ضروری قرارداد بطور جداگانه برای هر قسط قابل اعمال می‌سازد. به عبارت دیگر، مهم این است که آیا یک نقض ضروری قرارداد در مورد آن قسط وجود داشته است؟ اگر جواب مثبت باشد طبق این بند، طرف دیگر قرارداد مجاز است ادعای فسخ قرارداد را در مورد آن قسط بنماید. به تعبیر دیگر، مقرر اساسی این اصل آن است که مفهوم فسخ قرارداد را در رابطه با یک قسط خاص و در رابطه با نقضی که در قرارداد رخ داده مطرح می‌کند در این امر منوط است به اینکه نقض در رابطه با قسط مورد بحث، اساسی باشد.

ب- نکته مهم دیگری که در بند اول قابل توجه است آن می‌باشد که طرفی که حق فسخ یک قسط از قرارداد را دارد ملزم نمی‌باشد به طرف مقابل اخطار قبلی مبنی بر فسخ قسط مورد نظر را بدهد و راساً حق فسخ یک قسط خاص را طبق شرایطی که گفته شد را دارد. (حسنی ۱۳۸۳، ۲)

وضعیتی را که بند ۳ به آن می‌پردازد می‌توان بدین صورت ترسیم نمود: مثال: قرارداد فروشی مستلزم این است که فروشنده یک دستگاه را در ماه ژانویه تحویل دهد و دومی را در ماه فوریه و سومی را در ماه مارس. سه دستگاه به گونه ای طراحی شده بودند که مجموعه ای از عملیات تولیدی مرتبط را انجام دهند. هیچکدام از دستگاهها با دستگاههای شناخته شده توسط دیگر کارخانه ها سازگار نبود. در ژانویه فروشنده دستگاهی را تحویل داد که مطابق قرارداد بود اما دستگاه تحویل داده شده در ماه فوریه آنچنان معیوب بود که فروشنده نتوانست رفع عیب نماید و جایگزینی آن با دستگاهی دیگر نیز ممکن نبود.

می‌توان فرض نمود مطابق بند ۱، خریدار قادر است دستگاه تحویل داده شده را در ماه فوریه را مسترد دارد یعنی نسبت به آن قرارداد را فسخ نماید. برحسب بند ۳ خریدار می‌تواند دستگاه تحویلی در ژانویه را باز گرداند و همچنین می‌تواند از پذیرفتن دستگاهی که باید در ماه مارس تحویل گردد، امتناع نماید چرا که به دلیل وابستگی متقابل آنها، آن محموله ها نمی‌تواند برای مقاصد مورد نظر طرفین که در زمان انعقاد قرارداد، ملحوظ بوده مورد استفاده قرار گیرد «نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد» معیاری حتی سخت تر از معیار مربوط به نقض اساسی است (ماده ۲۶) و منعکس کننده این واقعیت است که در اینجا فسخ به کالاهایی گسترش می‌یابد که خالی از هر گونه عیبی بوده اند و ممکن است کالاهایی (مثلاً دستگاههای تحویلی در ژانویه) را در بر گیرد که بی هیچ اعتراضی تحویل گرفته شده اند. خلاصه اینکه فسخ نسبت به اقساط ژانویه و مارس تنها بر مبنای وابستگی متقابل آنها با دستگاههای معیوب تحویلی در فوریه می‌باشد (جان او. هانولد ۱۳۹۴، ۴۸۷)

۵-۳- فسخ قراردادهای اقساطی در حقوق ایران

در حقوق ایران، مواد و مقررات صریح و روشنی در خصوص نقض اساسی قرارداد اقساطی وجود ندارد؛ اما با استفاده از بعضی از مواد قانونی خصوصاً در مواد قانون تجارت می‌توانیم نقض اساسی قرارداد اقساطی را استنباط نماییم. در قانون مدنی ایران شاید تنها ماده ای را که بتوان با اصل ۷۳ کنوانسیون تطبیق داد ماده ۳۸۰ قانون مدنی است. مطابق این ماده: «اگر مشتری مفلس شود و عین بیع نزد او موجود باشد بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع تسلیم نشده باشد بایع حق دارد از تسلیم امتناع نماید».

در ماده فوق، در صورت افلاس مشتری به بایع حق نقض قرارداد داده شده است. چه قرارداد بصورت اقساطی باشد و چه بصورت یکجا و کامل؛ به عبارت دیگر بایع در دو قسمت حق نقض قرارداد را دارد:

الف- اگر قراردادی بین بایع و مشتری منعقد شده باشد و هنوز مبیع تسلیم نشده باشد بایع می‌تواند از تسلیم آن امتناع کند. البته به شرط آنکه افلاس مشتری در محکمه به اثبات رسیده باشد.

ب- اگر مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد مطابق ماده ۳۸۰ قانون مدنی بایع حق استرداد آن را خواهد داشت.

در حقوق تجارت ایران شاید بتوان مبحث دعوای استرداد که در فصل دهم از قانون تجارت به آن پرداخته شد (مواد ۵۲۸ الی ۵۳۵ قانون تجارت) را با اصل ۷۳ کنوانسیون بیع بین المللی کالا تطبیق داد. که در ذیل به توضیح بعضی از مواد قانون تجارت که قابل تطبیق با اصل ۷۳ است می‌پردازیم.

در ماده ۵۳۱ قانون تجارت مقرر شده است که اگر تمام یا قسمتی از مال التجاره ای که برای فروش به تاجر ور شکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ور شکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ور شکسته یا خریدار باشد و به طور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ور شکسته موجود باشد قابل استرداد است. همچنین اگر کسی مال التجاره ای به تاجر ور شکسته فروخته باشد ولیکن هنوز آن جنس نه به خود تاجر ور شکسته تسلیم شده و نه به کسی که به حساب او بیاورد، آن کس می‌تواند به اندازه ای که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع نماید (ماده ۵۳۳ قانون تجارت). (حسنی ۱۳۸۳، ۵)

نتیجه گیری

در خصوص حق فسخ اجتناب فروشنده از قرارداد (ماده ۴۹ کنوانسیون) ، در کنوانسیون چنانچه عدم ایفای تعهدات فروشنده طبق قرارداد یا کنوانسیون ، نقض اساسی قرارداد به شمار آید خریدار می تواند فسخ قرارداد را اعلام نماید ؛ در حقوق ایران فسخ عقد بیع به علت تخلف فروشنده در محدوده اختیارات قانونی (مواد ۳۹۶ به بعد قانون مدنی) قابل تحلیل و ارزیابی است . در مورد عدم اجرای بخشی از قرارداد (ماده ۵۱ کنوانسیون) از نظر کنوانسیون بیع بین المللی کالا اگر فروشنده تنها قسمتی از کالا را تسلیم نماید یا چنانچه تنها قسمتی از کالای تسلیمی منطبق با قرارداد باشد خریدار می تواند قرارداد را نسبت به قسمتی که تسلیم نشده یا قسمتی که منطبق نیست فسخ کند. اما در حقوق ایران به عنوان یک قاعده کلی اگر فروشنده قسمتی از تعهد خود را انجام ندهد، خریدار می تواند به ضمانت اجرای موجود از جمله الزام به ایفای باقی مانده ی تعهد متوسل شود و امکان فسخ بخشی از قرارداد وجود ندارد، زیرا قانون مدنی امکان فسخ جزئی قرارداد را نمی پذیرد. همچنین از نظر کنوانسیون بیع بین المللی کالا خریدار تنها در صورتی می تواند کل قرارداد را فسخ نماید که عدم تسلیم کامل کالا یا عدم انطباق با قرارداد، نقض اساسی قرارداد محسوب گردد یعنی در کنوانسیون مذکور در حالتی که عدم انجام قسمتی از تعهد نقض اساسی قرارداد باشد خریدار می تواند کل عقد را فسخ نماید اما در حقوق ایران خریدار در صورتی می تواند قسمت دیگر عقد را فسخ کند که یک قسمت از عقد باطل باشد . . در زمینه حق فسخ اجتناب خریدار از قرارداد (ماده ۶۴ کنوانسیون) ، در کنوانسیون چنانچه عدم ایفای تعهدات خریدار طبق قرارداد یا کنوانسیون ، نقض اساسی قرارداد به شمار آید فروشنده می تواند فسخ قرارداد را اعلام نماید ؛ در حقوق ایران می توان به خيار تاخیر ثمن اشاره کرد که به نحو صریح امکان فسخ بیع به جهت عدم پرداخت ثمن را برای فروشنده را فراهم می کند . در مورد فسخ ناشی از نقض احتمالی قرارداد (ماده ۷۲ کنوانسیون) ، در کنوانسیون بیع بین المللی کالا چنانچه قبل از تاریخ اجرای قرارداد، روشن شود که یکی از طرفین مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهد شد، طرف مقابل می تواند فسخ قرارداد را اعلام نماید. لیکن در فقه امامیه و حقوق ایران نه تنها نقض اساسی قرارداد پیش بینی نشده است بلکه نقض قرارداد حتی در صورت واقعی بودن در ابتدا برای متعهدله حق فسخ ایجاد نمی کند و در حالتی می توان عقد را فسخ کرد که اجبار ممکن نباشد و شخص دیگری هم نتواند به خرج ملتزم تعهد را به سرانجام برساند . در زمینه فسخ قرارداد های اقساطی (ماده ۷۳ کنوانسیون) ، در کنوانسیون بیع بین المللی کالا در مورد قرارداد تسلیم کالا به نحو اقساطی، چنانچه عدم ایفای هر یک از تعهدات یکی از طرفین نسبت به هر بخش از آن نقض اساسی قرارداد در رابطه با همان قسمت محسوب شود، طرف مقابل می تواند فسخ قرارداد را نسبت به بخش مزبور اعلام نماید، اصطلاح قراردادهای اقساطی در ادبیات حقوقی ایران ناظر بر قراردادهایی است که ثمن آن در چند قسط قابل پرداخت است اما در خصوص قراردادهایی که مبیع باید در دفعات و زمان های متعدد تسلیم شود چنین اصطلاحی رایج نیست . همچنین در مورد وضعیت حقوقی فسخ جزئی قرارداد در حقوق ایران باید گفته شود که در حقوق ایران این امکان وجود ندارد.

منابع و مراجع

- [۱] امینی، منصور. و همایون مافی و حسین چهاربرج. ۱۳۹۰. بررسی حق فسخ ناشی از پیش بینی نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران. شماره ۴.
- [۲] جان او، هانولد. (۱۳۹۴). حقوق متحد الشكل بیع بین المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد. ترجمه ی همایون مافی، نارک امیرخان، محمد کاظم تقدیر، مادج جمشیدی، سید عقیل حسینی مدقق. تهران: مجد
- [۳] شعاریان، ابراهیم. و فرشاد رحیمی. بی تا. حقوق بیع بین المللی - شرح کنوانسیون بیع بین المللی کالا در پرتو دکترین رویه قضائی. تهران: شهر دانش
- [۴] صفایی، سید حسین. و |دیگران|. ۱۳۹۳. حقوق بیع بین المللی: بررسی کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ و مقایسه آن با مقررات بیع در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده. تهران: دانشگاه تهران
- [۵] میرزا نژاد جویباری، اکبر. ۱۳۸۲. فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰- وین) و حقوق ایران. شماره ۲۹.
- [۶] هیجده نفر از دانشمندان حقوق. ۱۳۹۱. تفسیری بر حقوق بیع بین المللی (کنوانسیون ۱۹۸۰ وین). ترجمه ی مهراب داراب پور. تهران: گنج دانش